

بررسی ساختار مسکن در روستاهای همدان

سید علی رضا هاشمی*

400hashemi@gmail.com

مقدمه

مسکن از جمله نیازهای اساسی زندگی اجتماعی است که انسان برای آسایش و آرامش پس از کار و برای به دست آوردن نیروی جسمی و فکری دوباره به آن نیاز دارد. مسکن با مسایل مربوط به محیط طبیعی، نوع معیشت، شکل خانه و سیر زندگی اجتماعی پیوند خورده و از سویی ذوق هنری، معیارهای اجتماعی، بنیادهای خانوادگی و خویشاوندی، سنتها و عقاید و پندارها و باورهای درونی انسان، در هر گوشه کره خاکی بر آن طرح خاصی بخشیده است.

ساخت خانه در روستاها در امتداد پاسخ‌گویی به همین نیازها و با آگاهی به آنها توسط خود روستاییان طراحی و اجرا می‌شود. ساخت خانه در روستاها از سنتی عامیانه سرچشمه می‌گیرد و این سنت عامیانه همان سنت بلاواسطه و ناخودآگاهی است که در بطن یک فرهنگ مردمی جریان دارد و به گونه‌ای معنوی و مادی و متأثر از نیازها و ارزشهای مربوط به آنها و بر مبنای خواستها و آرمانهای آنها شکل می‌گیرد. (زرگر، ۱۳۸۵: ۵۹)

برای ساخت خانه‌های مناسب روستایی بهترین روش، استفاده از مصالح موجود در منطقه است و روستاییان بیشتر از روشهایی برای ساخت خانه استفاده می‌کنند که برای اکثر اهالی قابل اجرا می‌باشد، زیرا این امر باعث می‌شود که مسکن ارزانتر تمام شود و خود روستاییان می‌توانند با آموزش، نحوه ساخت مسکن را به دیگران یاد بدهند. منشأ این خودکفایی در جامعه روستایی را باید در درون خانواده جست، زیرا کلیه مایحتاج زندگی از قبیل مواد غذایی، پوشاک، مسکن و وسایل کشاورزی و غیره توسط آنها تولید می‌شود. آنها بر پایه نوعی تقسیم کار بین اعضای خانواده و با کوشش و فعالیت و مبارزه خستگی‌ناپذیر، با مشکلات به چنین توانایی‌ای دست پیدا می‌کنند. (وثوقی، ۱۳۷۷: ۵۹)

با این حال ورود فناوری و پیامدهای آن سبب شده است تا در دهه‌های اخیر تغییرات و دگرگونی‌هایی در نحوه ساخت، نوع

*- دانشجوی دکتری فولکلور و پژوهشگر فرهنگ عامه

معماری، بنا، مصالح و مواد اولیه ساخت ایجاد شود. این تغییرات از نظر معماری نیز گاهی متأثر از جوامع شهری بوده، به طوری که از نظر ماهیت فرهنگی با عناصر اجتماعی و بافت روستایی همخوانی ندارد، و این امر نشانگر این است که حتی در مورد ساختمان‌سازی نمی‌توان در مقابل هجوم فناوری مربوط به آن ایستادگی کرد.

در این مقاله کوشش شده است با استفاده از منابع، ابتدا روشهای خانه‌سازی در روستاهای همدان مورد بررسی قرار گیرد و سپس نمونه‌هایی از خانه‌سازی در روستاهای مختلف مناطق همدان توصیف گردد.

سازماندهی فضای خانه (محوطه مسکن)

در بین یکجانشینان حوزه‌های روستایی همدان، سه نوع نقشه خانه را می‌توان از یکدیگر تشخیص داد که شکل کلی و تشکیلات فضاهای گوناگون آنها با توجه به منظره عمومی و دورنمایی که مسکن روستاییان در آن قرار دارد، تغییر می‌کند.

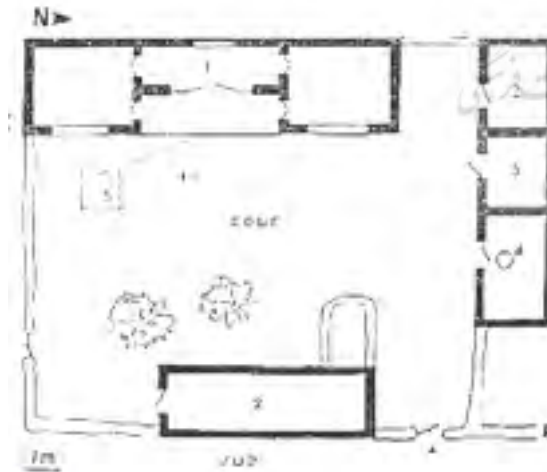
خانه‌های مسکونی که در مناطق دشتی ساخته شده‌اند، معمولاً تنها از یک طبقه؛ یعنی طبقه هم‌کف تشکیل می‌شوند و اغلب نیز از یکدیگر جدا هستند و تمام فضای یک مسکن در بطن حیاط محصور و بزرگی قرار گرفته است (شکل شماره ۱). فضاهای مربوط به حیوانات و فضاهایی که برای جادادن مواد و وسایل کشاورزی اختصاص داده می‌شوند، از همین قاعده کلی پیروی می‌کنند. (گرگوار و فونتن، ۱۳۷۰: ۷۱)



شکل شماره ۱- مقطع افقی و نمای یک خانه همکف (روستای سوسن آباد)

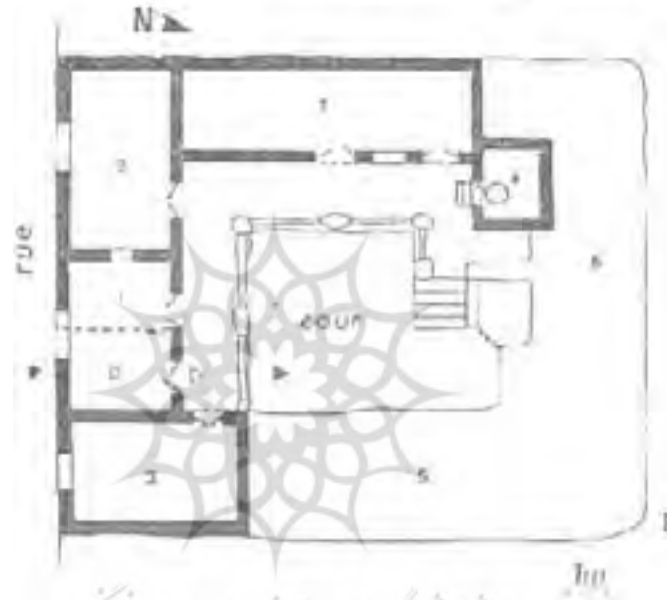
A: نمای خانه از طرف حیاط

B: مقطع افقی خانه: ۱- مسکن ۲- طویله ۳- انبار ۴- تنور ۵- حوض آب
منبع: اراک و همدان، ص ۷۲



مساکن روستاهایی که در پای تپه‌های کوچک ساخته شده‌اند و نمایانگر حدّ میانی بین دشت و سلسله جبال البرز هستند، عموماً به صورت دو طبقه ساخته شده‌اند. در طبقه هم‌کف؛ یعنی در زیر سکونتگاه اصلی، آغل و یک جلوخان قرار دارد که از آنجا می‌توان وارد حیاط محصور شد که دور آن را ساختمان‌هایی احاطه کرده‌اند که همه به هم متصل و دارای زمینه‌های بهره‌برداری همسان هستند.

(شکل شماره ۲)



شکل شماره ۲- مقطع افقی و نمای یک خانه با حیاط محصور (روستای ریز)

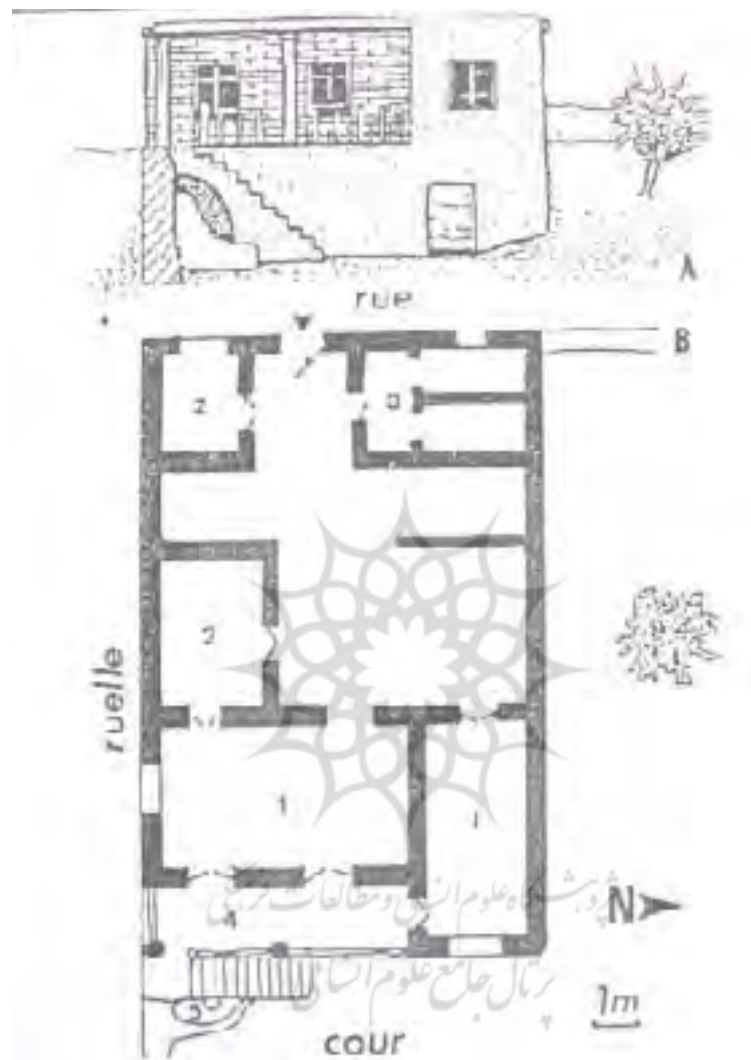
A: مسکن - دید از طرف حیاط

B: مقطع افقی: ۱- مسکن ۲- کارگاه بافندگی ۳- انبار ۴- تنور ۵- آغل

منبع: اراک و همدان، ص ۷۳

در حوزه‌های کوهستانی به دلیل فقدان زمین صاف، معمولاً مسکن اصلی را روی آغل گوسفندان بنا می‌کنند. طویله، انبار و کاهدان

همه در یک مجموعه جمع می‌شوند که حالتی نیمه زیرزمینی دارد (شکل شماره ۳) و پایه ظاهری بنا را تشکیل می‌دهد. (همان: ۷۴)



شکل شماره ۳- مقطع افقی و نمای یک خانه (روستای رازگردان)

A: نما از طرف حیاط. مسکن اصلی روی آغل

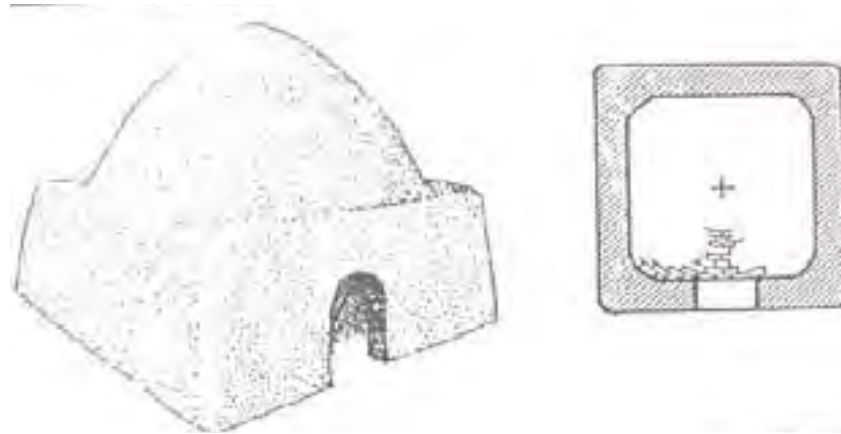
B: مقطع افقی: ۱- مسکن روی آغل ۲- انبار ۳- توالت ۴- ایوان ۵- تنور زیر پله

منبع: اراک و همدان، ص ۷۴

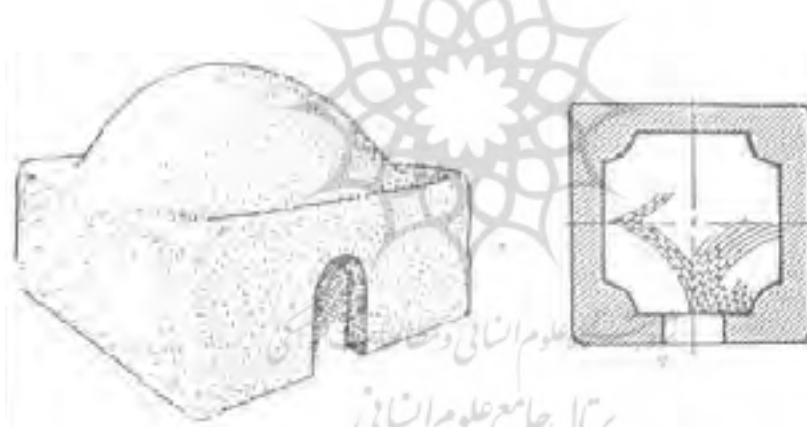
فنون خانه‌سازی

دیوارهای خانه‌هایی که در منطقه دشتی ساخته می‌شوند، عموماً از خشت و گل هستند و پی و پایه مشخصی برای آن منظور نشده است. روی این دیوارها را با کاهگل اندود می‌کنند که این کاهگل ترکیبی از خاک و آب، یعنی گل و خرده‌های بازمانده از خوشه و ساقه گندم (کاه، سبوس، شوک سنبل، لفاف، دانه گندم در خوشه) است. خرابی‌های ناشی از آب‌های جاری به‌ویژه در فصل بهار و به‌هنگام ذوب‌شدن برف باعث می‌شود که این بناها دائماً به تعمیر احتیاج داشته باشند. در مناطق کوهستانی، برای ساختن دیوار، خشت‌ها را روی بسته‌ای از سنگ می‌گذارند. استفاده از آجر که به‌طور معمول برای ساختن بناها در شهرها به‌کار می‌رود، در محیط روستایی حالت استثنایی دارد و اکثراً در ساختن بناهای معتبر (مثل مساجد، امامزاده‌ها، خانه‌های اشخاص صاحب شأن و مقام و از این قبیل) به‌کار می‌رود. (همان: ۷۵)

سقف بناها اغلب از سه نوع صاف که به سقف «تیری» (tiri) معروف است، طاق گهواره‌ای که به آن «سیزی» (sizi) می‌گویند و سقف گنبدی که آن را «گمبدی» (gombadi) می‌نامند، تشکیل شده است. سقف گنبدی از دو نوع دیگر کمتر متداول است و اکثر پراکندگی آن را به‌ویژه در مناطق دشتی می‌بینیم که با سقف‌هایی از نوع طاق گهواره‌ای ترکیب و سهیم شده است. معمولاً از این سقف، یعنی طاق گهواره‌ای برای پوشاندن آغل‌ها، طویله‌ها و انبارها استفاده می‌شود، ضمن اینکه سقف گنبدی نیز همین حالت و همین کاربرد را دارد. شکل خاصی از این نوع سقف‌ها که حالت مخروطی دارد، کمتر از بقیه معمول است و بیشتر برای پوشش سقف بناهای مذهبی به‌کار می‌رود. (شکل ۴ و ۵)



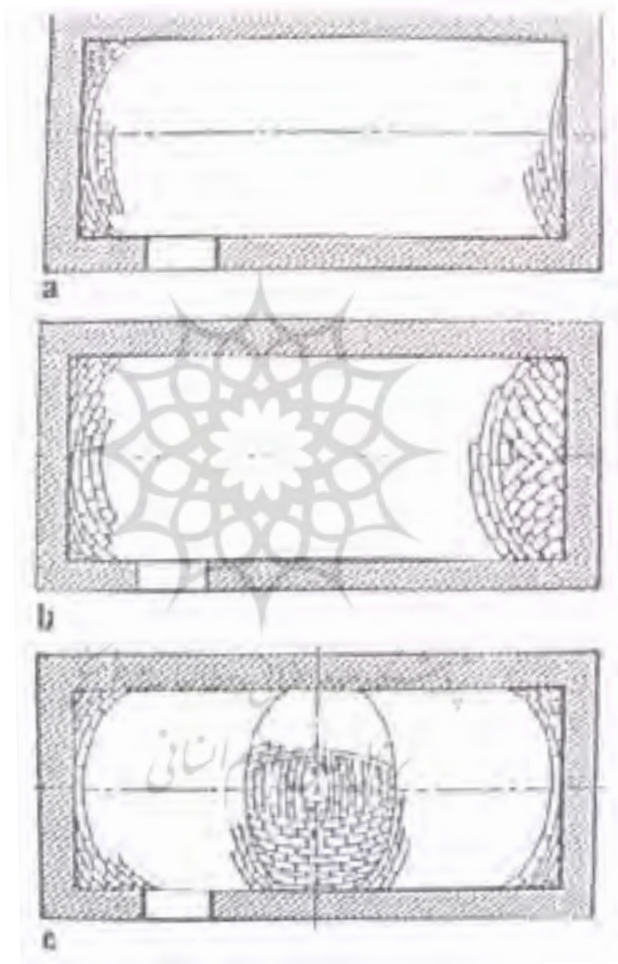
شکل شماره ۴- حالت مخروطی سقف گنبدی
منبع: اراک و همدان؛ ص ۷۶



شکل شماره ۵- سقف گنبدی «گمبیدی» (gombadi)
منبع: اراک و همدان؛ ص ۷۶

طاق‌های گهواره‌ای را بدون کمک گرفتن از وسایل خاصی مثل تویزه که وسیله‌ای هلالی شکل است، می‌سازند و برای این کار خشت‌ها را به‌طور مورب و لایه به لایه پشت سر هم در طول بنا و روی دیوارهای متقابل می‌چینند و بدین منظور یکی از دیوارهای کوچک را تکیه‌گاه قرار می‌دهند. (شکل ۶ قسمت a)

سقف‌های طاق گهواره‌ای نیز می‌توانند از دو طرف به حالت نیمه‌گنبدی درآیند (شکل ۶، قسمت b) و بالاخره ساختن یک طاق گهواره‌ای را می‌توان از دو طرف ساختمان و با تکیه بر دو دیوار عرضی شروع کرد و در وسط سقف، آن را با لایه‌هایی که عمود بر لایه‌های قبلی هستند، به پایان رساند. (شکل ۶، قسمت C)

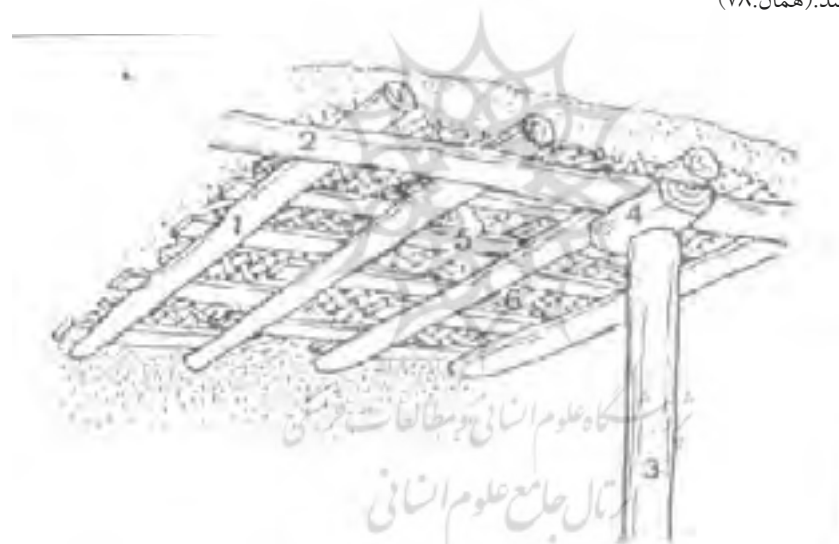


شکل شماره ۶ - سقف از نوع طاق گهواره‌ای. «سیزی - sizi»

منبع: اراک و همدان؛ ص ۷۷

سقف‌های صاف در مناطق کوهستانی دارای لبه‌ای هستند که از حد دیوار نیز تجاوز می‌کنند، در حالی که این نوع سقف‌ها در حوزه‌های دشتی معمولاً دارای لبه بالآمده‌ای هستند که لوله ناودان را روی سطح سقف به زیر این لبه متصل می‌کنند.

در برخی خانه‌ها نیز پلکانی داخلی وجود دارد که به سقف صافی که حالت ایوان دارد، منتهی می‌شود. سقف صاف از عناصر زیر تشکیل شده است: (شکل ۷) دستک‌ها (تیر = tir) یا «تیر کوچک» (tir – e kuček) که بالای دیوار قرار می‌گیرند و آنها را ستون‌هایی به نام «کول» (kul)، «دیرک» (dirak)، «شمک» (šamak)، «ستون» (sutun) و «تیر» (tir) نگه می‌دارند که گاهی کلاه‌های از جنس چوب «نعل» (nal) – «سر شمک» (sar ešamak) – روی آن قرار دارد. روی این دستک، توفال‌ها را که به آن «پردو» (pardu)، «پرده» (parde)، «پرتو» (partu) و «پرتی» (parti) می‌گویند، می‌گذارند و سپس روی تمامی آنها را با لایه‌های متعدد و نازکی از کاهگل می‌پوشانند. (همان: ۷۸)



شکل شماره ۷- سقف «صاف» «tiri»

- ۱- دستک: «تیر کوچک – tir – e kuček»
- ۲- تیر حمال: «سرکش – sarkeš»
- ۳- ستون: «تیر – tir»
- ۴- کلاه: «نعل – na'l»
- ۵- توفال: «پرتو – partu»
- ۶- حصیر: «حصیر – hasir»

منبع: اراک و همدان؛ ص ۷۸

ساخت یک خانه (قلاع) در روستاهای ملایر

در حسین آباد ناظم ملایر برای ساختن یک قلاع (qelā) ابتدا صاحب کار یک بنای محلی را برای ساختن آن اجیر می‌کند و برابر نظر بنا چند نفر کارگر و یا به قول اهالی محل «عمله» هم می‌گیرد و هزینه خوراک آنها را نیز صاحب کار تقبل می‌کند. به این نوع کارگران که خرجشان به عهده صاحب کار است، کارگر «تره» (tarra) می‌گویند و اگر کارگر خرجش با خودش باشد «خُشگر» (xošgar) نامیده می‌شود که البته اجرت دسته اول نسبت به دسته دوم کمتر است؛ به طوری که مزد یک کارگر خُشگر پنجاه ریال و فرد کارگر با خرج یا به اصطلاح محلی تره سی و پنج ریال است.

بنابراین زمین انتخاب شده را با وسیله‌ای خط‌کشی می‌کند و به کارگران دستور می‌دهد تا پی آن را که به «بناوه» (bonāva) معروف است، بکنند. سپس عمله‌ها با بیل و کلنگ شالوده حیاط را به عرض یک متر و عمق یک متر و نیم حفر می‌کنند. علت اینکه پی ساختمان را تا یک متر و نیم حفر می‌کنند، به این دلیل است که عقیده دارند هر چه بناوه ساختمان زیاد کنده شود به همان اندازه استحکام ساختمان بیشتر می‌شود.

عمل پی کردن که تمام شد، در گودال به وجود آمده، آب می‌بندند و خاک‌های اطراف آن را با بیل، میان پی برمی‌گردانند، آنگاه چند عمله با پای برهنه در حالی که شلوار خود را بالا کشیده‌اند، میان پی می‌روند و مدتی گل میان بناوه را پای می‌زنند تا خوب فشرده شود. البته این کار چند روزی ادامه دارد تا زمانی که سطح بناوه با کف حیاط مساوی شود. هنگامی که شالوده را پُر کردند، یک روز صبر می‌کنند تا خشک شود، سپس مشغول کشیدن «چینه» (čina) می‌شوند. برای این کار قبلاً مقدار زیادی خاک مخصوص چینه در جوار پی حیاط جمع‌آوری کرده‌اند. این خاک‌ها را آب می‌گیرند و چند نفر با پای برهنه میان آن می‌روند و مشغول لگدکردن گل می‌شوند. دو نفر نیز با بیل کنار گل می‌ایستند تا گل‌هایی را که در اثر پا زدن پهن می‌شوند، دوباره با بیل به زیر پای کارگران برگردانند. گل چینه را نزدیک به نیم روز پا می‌زنند تا خوب فشرده و ورزیده شود. سپس بنا سرکار قرار می‌گیرد و دو نفر با بیل گل‌ها را پی در پی به دست او می‌دهند، بنا نیز گل‌ها را به ارتفاع نیم متر سر هم می‌چیند و با همین ارتفاع پیش می‌رود تا دور تا دور پی پر شده را چینه بکشد و زمانی که به آخر کار رسید، مجدداً چینه دوم را می‌چیند و به همین ترتیب ادامه می‌دهد. معمولاً دیوار حیاط را با میخ چینه بالا می‌آورند، به طوری که ارتفاع آن نزدیک به دو الی سه متر می‌رسد. ضمن اینکه محلی را به عرض دو متر و به طول ارتفاع دیوار برای دروازه حیاط قرار می‌دهند.

پس از اینکه از کار دیوار کشیدن فارغ شدند، به ساختن اتاق و سایر بناهای مورد نیاز از قبیل طویله و کاهدان و هیمه‌دان می‌پردازند و پیوسته سعی می‌شود در ورودی اتاق‌های نشیمن را رو به قبله قرار دهند و عقیده دارند خانه‌رو به قبله هم آفتاب‌گیر و هم دارای رزق و روزی است. تعداد اتاق‌های ساخته شده در جوار بنای دیواره حیاط است، به طوری که صحن حیاط باز می‌ماند و اتاق‌ها و سایر ساختمان‌ها دور تا دور حیاط احداث می‌شوند.

در اینجا اگر صاحب کار بخواهد خانه دو طبقه بسازد، بنا در گوشه‌ای از حیاط زمینی را به عرض ۳ متر و طول ۶ تا ۸ متر خط‌کشی

می‌کند و بناوه آن را نیز به طول بیش از یک متر حفر می‌کند. برای استحکام بنا عرض پی را نیز تا یک متر می‌گیرند و پی آنرا عیناً مانند پی حیاط می‌کنند و پر می‌کنند. سپس سه روز چینه روی بناوه می‌کشند و به فاصله هر دو متر جایی را برای در ورودی خانه جا می‌گذارند و تعدادی آخور (āxor) نیز برای چهارپایان در آن می‌سازند. بعد با خشت، سردر در و آخورها را طاق می‌زنند و سقف خانه را نیز با خشت طاق زده و پس از آن با خشت، اطراف ساختمان را از سطح چینه طوری بالا می‌آورند که گنبدی شکل شود؛ یعنی سطح بام با لبه دیوار خانه مساوی باشد. بعد از آن با نوعی گل به نام «شفته»، یعنی گل کم چسب روی بام را شفته‌ریزی و بعد از آن بام‌اندود می‌کنند.

طبقه اول که ساخته شد، بنای طبقه بالایی، یعنی اتاق نشیمن را می‌گذارند و برای این کار ابتدا از روی پایه خانه زیرین، پایه اتاق را با خشت بالا می‌آورند. البته تعداد اتاق‌هایی را که روی خانه خشت‌پوش می‌سازند به دو باب هم می‌رسانند و این بستگی به عرض و طول خانه زیربنا دارد. اگر خانه خشت‌پوش زیرین ۳ در ۴ باشد، تنها یک اتاق روی آن می‌سازند و اگر همان‌طور که گفته شد، ۳ در ۸ باشد، دو اتاق و یک ایوان احداث می‌کنند؛ دو اتاق ۳ در ۳ در طرفین می‌سازند و یک ایوان نیز وسط آن قرار می‌دهند.

هر یک از این دو اتاق‌های تیرپوش را رو به قبله در نظر می‌گیرند و زمانی که دیوار را به اندازه ۳ چارک، یعنی ۷۵ سانتی‌متر بالا آوردند، تعدادی تاقچه هم برای جا دادن وسایل خانه بنا می‌گذارند. عرض و طول این تاقچه‌ها به ترتیب از یک و یک و نیم متر بیشتر نیست و هر تاقچه‌ای که ساخته می‌شود یک «رفه» (rafa) نیز بالای آن درست می‌کنند. عرض رفه‌ها با عرض تاقچه مساوی است؛ ولی طول آن نزدیک به نیم‌متر کمتر است. هر اتاق علاوه بر دودر، یک در دیگر نیز دارد که به ایوان باز می‌شود و این درها روبه‌روی هم قرار گرفته‌اند. هنگامی که اتاق را پای تیر آوردند، صاحب کار گوسفندی می‌خرد و آن را همان روز سر می‌برد و از خون گوسفند قدری به دیوار اتاق می‌پاشد و گوشتش را هم بین کارگران و فقرا تقسیم می‌کند. چون عقیده دارند ساختمانی که در آن خون ریخته نشود، سر صاحب را می‌خورد. سپس تعدادی تیرچوبی درخت تبریزی که به نام درخت «راجی» معروف است، روی اتاق‌ها و ایوان می‌اندازند (فاصله بین تیرها، نزدیک به ۳۰ سانتی‌متر است) آنگاه روی تیرها را با چوب‌های نازکی به نام پرچین می‌پوشانند و روی پرچین‌ها را با حصیر سد و یا استتار می‌کنند و بعد از آن شفته می‌ریزند و در آخر نیز با گل مخصوص که چسب‌دار و با کاه مخلوط است، بام را اندود می‌کنند و روی هر یک از اتاق‌ها یک «نودان» (novdân) به نام «شیل» (šyl) کار می‌گذارند تا آب‌های باران از آن به حیاط سرازیر شود. پس از انجام این کار، اتاق‌ها را «شیمشه» (šemša) می‌کنند. برای این کار از همان گل مخصوص اندود بام، استفاده می‌کنند؛ یعنی خاک را با کاه مخلوط می‌کنند و به آن آب می‌افزایند و می‌گذارند یک شب بماند تا خوب کشته شود. آنگاه بنا این گل را با مالۀ از داخل و خارج به دیوارهای اتاق می‌مالد که به این کار شیمشه می‌گویند.

درهای این اتاق‌ها به وسیله نجارهای محلی از چوب سفید راج که همان درخت تبریزی است با سبک قدیم و یک تخته ساخته می‌شود. به طوری که چارچوب طرفین در را با چوب ضخیم‌تر و وسط آن را یک تخته نازک قرار می‌دهند و بر هر یک جفت در نیز یک چفت زنجیری می‌اندازند.

بعد از فراغت از کار اتاق‌ها، به ساختن دروازه حیاط می‌پردازند. در این قسمت کار نیز اشخاصی که به اصطلاح دستشان به دهانشان می‌رسد، در طرفین امتداد دروازه از داخل حیاط، دو محل را یکی برای توالی که به «موال» (mavâl) معروف است و دیگری را برای مطبخ، انتخاب می‌کنند.

عرض و طول این دو بنا که ابعادی نزدیک به ۲ و ۳ دارند، همانند خانه‌های خشت‌پوش احداث می‌شود و سطح آن را با خشت طاق می‌زنند. اگر صاحب کار مایل باشد، راهرویی را که به وسیله ایجاد این دو بنا به وجود آمده است، طاق می‌زند و در نتیجه تبدیل به دالان عبور می‌شود. به این ترتیب که از روی پایه‌های بناهای طرفین طاق دالان را با خشت می‌سازند و مجدداً صاحب‌کار اگر مایل باشد، اتاق تیرپوش نسبتاً کوچکی روی طاق دالان یا راه عبوری حیاط درست می‌کند. این قبیل اتاق‌ها را شاه‌نشین می‌گویند که دارای یک در و دو نیم‌دری رو به‌قبله از خارج و یک در ورودی و دو نیم‌دری از داخل است. راه پله این اتاق را هم از صحن حیاط انتخاب می‌کنند. نجرهای محلی دروازه این قبیل حیاط‌ها را هم از چوب گردو که از دو لنگه در تشکیل می‌شود، می‌سازند. قطر هر یک از لنگه‌های در به اندازه ۸ سانت است. ضمناً تخته‌های در را با میخ‌های دوسر آهنی به هم وصل می‌کنند و از داخل با نوعی وسیله به نام «کلون» (kolon) آن را می‌بندند. از خارج نیز چفت آهنی محکمی وجود دارد که هم موقع خارج شدن آن را چفت و قفل می‌کنند و هم برای دق الباب از آن چفت استفاده می‌شود.

در گوشه‌ای از صحن حیاط، محلی را برای جادادن احشام در فصل تابستان انتخاب می‌کنند. مساحت این بنا که به «گله‌دان» معروف است، بستگی به تعداد گوسفندان دارد؛ یعنی اگر تعداد احشام زیاد باشد صحن آن وسیع‌تر و اگر ناچیز باشد، کوچک‌تر می‌شود. برای احداث گله‌دان از صحن حیاط، دیواری به قطر نیم خشت و به ارتفاع دو متر بالا می‌آورند و یک در چوبی شبکه‌ای به نام «دی اجنگلی» (di - ajangali) به آن می‌اندازند. در فاصله دو قدمی این گله‌دان، جایی را برای گربه‌دان انتخاب و درست می‌کنند که دقیقاً مثل گله‌دان، ولی کوچکتر از آن است.

گوشه دیگری از حیاط جایی را برای مرغ‌ها می‌سازند که به نام «کله مرغ» معروف است، البته گنجایش کله‌دان مرغ هم بستگی به تعداد مرغ‌های صاحب‌خانه دارد.

اگر صاحب‌خانه علاقه و عشقی به نگاه داشتن کبوتر داشته باشد، تعدادی سوراخ در بالای درهای اتاق نشیمن ایجاد می‌کند که با آن «لنه» (lona) کفتر می‌گویند و این سوراخ‌ها را طوری در سینه دیوار اتاق ایجاد می‌کنند که تا لبه پشت بام نیم متر فاصله داشته باشد، به طوری که گربه از صحن حیاط و پشت بام به کبوترها دسترسی پیدا نکند.

در گوشه دیگری از حیاط، اتاق تیرپوش دیگری به نام اتاق نشیمن روستایی می‌سازند. در این اتاق تنوری برای پختن نان چال می‌گذارند و در زمستان در آن سکونت می‌کنند. البته پس از پخت و پز نان، روی این تنور کرسی می‌گذارند و زیر آن می‌نشینند. این اتاق

یا به اصطلاح خانه‌زمستانی دارای پستویی است که به آن «خونه به خونه» (xona be xona) می‌گویند. در پستوی این اتاق چند دستگاہ «تاپو» (tâpo) از گِل می‌سازند که در آن ذخیره زمستان را از قبیل آرد، گندم، جو، کشمش و قورمه نگه می‌دارند.

اتاق‌های تیرپوش بالا را برای پذیرایی از مهمان استفاده می‌کنند. هر یک از طاقچه‌های این اتاق را با قراردادن سماور و سینی ورشو و چند بادیه مسی و آیینه‌های نیم قدی و چراغ‌زنبوری و توری، استکان و لیوان آب‌خوری زینت می‌دهند. کف اتاق را با چند تکه قالیچه دو زرعی فرش می‌کنند. طرفین اتاق را هم چند پستی می‌چینند که هر گاه مهمانی وارد شد، به آن تکیه دهد. وسط اتاق را نیز به عمق نزدیک ۱۵ سانت حفر می‌کنند و به آن «چاله‌کرسی» می‌گویند و موقع ورود مهمان در فصل زمستان چاله را با زغال پر و آن را روشن می‌کنند و کرسی روی آن قرار می‌دهند تا مهمان‌ها شب زیر کرسی بخوابند. در کنج حیاط محلی را برای بستن اسب یا الاغ انتخاب می‌کنند و در آن یکی دو «آخور» (āxor) هم می‌سازند که مخصوص ذخیره علوفه و کاه برای حیوانات است. در دو قدمی آخور نیز چوبی را در شکاف شکم دیوار برای بستن سر افسار اسب یا الاغ قرار می‌دهند.

حیاط‌های خانواده‌های به نسبت فقیر و بی‌بضاعت از این مزایا بی‌بهره هستند؛ بطوری که در گوشه یک چاردیواری تنها یکی دو خانه خشت‌پوش می‌سازند و سقف آن را با خشت طاق می‌زنند و زمستان و تابستان را در آن به‌سر می‌برند. این قبیل خانه‌ها عیناً شبیه همان خانه‌های خشت‌پوش زیرین خانواده‌های به نسبت ثروتمند هستند که روی آن، اتاق بالایی تیرپوش را می‌سازند. ضمناً اتاق دارای یک تنور و یکی دو تاپو برای جادادن ذخیره زمستانی است و چند طاقچه هم دارد که وسایل و مایحتاج خود را در آن می‌چینند. خانه خشت‌پوش دیگری در جوار همین خانه‌نشین می‌سازند که در آن سوخت زمستان خود را قرار می‌دهند. در گوشه این خانه مقداری بوته خاردار و در گوشه دیگر مقداری مدفوع احشام به‌نام پشگیل و تعداد زیادی تاپاله برای سوخت زمستان ذخیره می‌کنند.

در آبادی حسین آباد ناظم از آنجا که زمین ارزشی ندارد، هر خانواده یک چهاردیواری دربست دارد، تنها با این تفاوت که خانواده‌های ثروتمند با اسلوب بهتری خانه‌سازی می‌کنند و افراد فقیر به ساختن همان دویاب اتاق خشت‌پوش و به اصطلاح «سیزان» (siyzan) اکتفا می‌کنند. در این روستا هر کس دارای خانه نباشد به مالک زمین مراجعه می‌کند و با دادن قند کله‌ای (شیرینی) هر چند متر زمین که احتیاج داشته باشد، می‌گیرد و با گرفتن یک برگ یادداشت به‌نام قبالة زمین، یک چهاردیواری با خشت و گل می‌سازد. این قبیل خانواده‌های فقیر که توانایی اجیر کردن بنا و عمه را ندارند، خود با کمک افراد خانه اطراف زمین را چینه می‌کشند و هر چند اتاق که احتیاج داشته باشند تا پای طاق می‌آورند و بعد خشت موردنیاز را هم از کارگران خشت مال حرفه‌ای خریداری می‌کنند. بعد یک روز به وسیله بنای محلی طاق آن را می‌زنند. (عبدلی، ۱۳۴۸)

خانه‌سازی در شیرین‌سو

در شیرین‌سو افراد بعد از تشکیل خانواده به فکر تهیه یک باب خانه مسکونی می‌افتند؛ دختر و پسر که ازدواج کردند، بعد از اینکه چندین ماه همراه پدر و مادر زندگی کردند، با قدرت مالی خود و یا با کمک و راهنمایی اولیا تدارک و تهیه ساخت منزل را می‌بینند. بافت خانه‌ها در شیرین‌سو عبارتست از یک دروازه با دالان، یک یا دو اتاق زمینی یا دو طبقه، یک اتاق برای نشستن، یک خانه گنجینه (آشپزخانه)، یک انباری آذوقه احشام (انبار)، یک انباری سوخت زمستانی (أودنلوق = udunluq) چند طویله، اصطبل یا زاغه (محل نگهداری احشام در زیر زمین) و یک مستراح.

شیرین‌سو از دو کوچه اصلی و ده‌ها کوچه پیچ و خم فرعی شکل گرفته است. هیچ یک از خانه‌ها سند مالکیت رسمی و قانونی ندارد و برای خرید و فروش خانه، قولنامه محلی می‌نویسند.

انواع خانه‌ها:

در شیرین‌سو خانه‌ها به چهار نوع ساخته می‌شود:

۱- خانه‌های طاق و گنبدی (کونبز «kunbaz» یا طاق گوز «tâq quz»)

۲- خانه‌های گنبدی (سیزان)

۳- خانه‌های تیر و حصیری (ترپوج «terpuj»)

۴- خانه‌های آجری.

۱- **خانه‌های طاق و گنبدی:** برای ساخت این نوع خانه قبلاً از گل (پالچق pâlçeğ) با قالب به اندازه کافی خشت (کرپج = karpej) به صورت خام تهیه و خشک می‌کنند، سپس آن را تا قشر سفت زمین می‌کنند، پی را با سنگ کار می‌کنند، تا نیم متر از زمین بالا می‌آید. بعد دیوار خانه را با گل و خشت کار می‌کنند. دیوار خانه معمولاً به عرض دو خشت و نیمه ساخته می‌شود. آنگاه از وسط خانه با قالبهای چوبی کمانی که بناها به دست خود و برای این کار تهیه کرده‌اند، طاق می‌زنند. بعد بالا و پایین خانه (دو طرف طاق) را با خشت از چهار طرف به صورت گنبد کار می‌کنند. در آخر کار روزنه‌ای به اسم (پاجا pâja) تعبیه می‌کنند. در این نوع خانه از تیر چوبی استفاده می‌شود.

طاق خانه بستگی به طول خانه دارد، چنانچه طول بیشتر از یک طاق و یک گنبد (۳ متر) شد، بر طاق خانه اضافه می‌کنند. مثلاً خانه ۹ متری با دو طاق و سه گنبد ساخته می‌شود. بعد از زدن طاق و گنبد، بیرون و درون خانه را کاهگل می‌کشند.

۲- **خانه‌های گنبدی:** این نوع خانه‌ها بیشتر برای احشام ساخته می‌شود، چون ارتفاع آن کمتر است و زودتر گرم می‌شود. در

ساخت آن از گل و خشت خام استفاده می کنند. بعد از پی و دیوار، سقف را به صورت گنبد یک تکه از اول خانه به صورت کمانی شروع و در آخر خانه تمام می کنند. این نوع بنا معمولاً با عرض و ارتفاع کمتر ساخته می شود، عرض دیوار آن عریض تر (سه خشت) ساخته می شود تا در آینده روی آن بتوان اتاق دو طبقه ساخت.

۳- خانه های تیر و حصیری: مردم شیرین سو برای نشستن و زندگی خانوادگی، بناهای یک طبقه و یا دو طبقه می سازند. اتاقهای یک طبقه، هم کف و یا دو یا سه پله از زمین بالاتر می رود. اما اتاقهای دو طبقه را روی خانه های گنبدی (مطابق توضیح بالا) احداث می کنند.

در این نوع، خانه یک طبقه را با سنگ و خشت می سازند و خانه دو طبقه را فقط با خشت و نیمه می سازند. سقف را با تیرهای چوبی و حصیری یا نی می پوشانند. جلو اتاق را مهتابی و بالکن با تیرهای چوبی درست می کنند. عرض مهتابی به ۵/۱ تا ۲ متر می رسد و در کنار مهتابی از نرده های چوبی یا فلزی استفاده می کنند، بالکن هم موازی و مساوی با مهتابی ساخته می شود. اتاقها به عرض ۳ متر و به طول ۲،۳،۵ و ۶ متری ساخته می شود و در آنها از در و پنجره های چوبی یا فلزی استفاده می شود. پنجره ها نیز به صورت ۲ دری (۱ متری)، ۳ دری (۱/۵ متری)، ۴ دری (۲ متری) ساخته می شود.

اتاقها بیشتر به دو صورت کوچک و بزرگ احداث می گردد. داخل اتاقها، طاقچه می گذارند و شمشه گری می شود. بعضی ها بعد از کاهگل و نصب در و پنجره، دیوارها را با لووا «luvâ» که مخلوطی از آب با گچ یا خاک سفید است، سفید می کنند. بعضی نیز دیوارها را با گچ سفیدکاری کرده و سپس رنگ آمیزی می نمایند.

۴- خانه های آجری: این نوع خانه سازی در سالهای اخیر متداول گشته و افراد معدود و پولداری به این شکل خانه می سازند. برای احداث این ساختمانها، ابتدا طبق نقشه پی ساختمان را می کنند و سنگ کار می گذارند، سپس با آجر و سیمان ساختمان را تمام کرده و سقف را با تیر آهن می پوشانند.

مصالح این نوع ساختمان از شهر تهیه می گردد و در این خانه ها، حمام خصوصی، آشپزخانه، راه پله (خرپشته) و هال و راهرو ساخته می شود و با کاشی کاری و موزاییک تزیین می شود. در و پنجره این خانه ها نیز فیبری، فلزی و آلومینیومی است.

افرادی که دارای این نوع ساختمان هستند برای احشام خود بطور مجزا بنای گنبدی شکل می سازند.

چگونگی ساخت خانه :

در شیرین سو کار ساختمانی از آغاز بهار شروع و در پایان پاییز خاتمه می یابد. بیشتر خانه های معمولی دور تا دور حیاط ساخته می شود. خانه ها رو به قبله و رو به آفتاب احداث می گردد.

هر خانه دارای یک دروازه با دالان می باشد، دروازه ها به صورت یک در یا دو در، چوبی با دق الباب و کلید و کلاف چوبی و با میخ های بزرگ و گرد است. در حال حاضر دروازه ها را به دروازه های بزرگ فلزی با رنگهای مختلف تبدیل می کنند. دروازه ها در دو طرف کوچه روبروی هم، پس و پیش می باشد و هر دروازه در جلو دارای یک یا دو طاقچه است.

مستراح در کنار حیاط و در گوشه ای دور ساخته می شود و بیشتر آنها دارای چاه سرپوشیده است.

خانه ها دارای آغل هستند تا در ایام تابستان احشام بتوانند در هوای آزاد باشند. بعضی خانه ها نیز دارای باغچه کوچک و یا چند درخت در گوشه ای از حیاط می باشند.

تعداد کمی از پشت بامها آسفالت است. هر خانه دارای یک حلقه چاه آب برای استفاده زندگی و احشام می باشد. آب آشامیدنی از چشمه وسط روستا تهیه می گردد.

مردم معمولاً در ساختن بناهای عمومی مثل مسجد، حمام و... همیاری و همکاری میکنند.

کسی که می خواهد خانه یا ساختمان احداث نماید، ابتدا روز و ساعتی نیک انتخاب می کند آنگاه حفره آبی به شکل چهار گوش و یا گرد در محل می کند و سپس با کمک هم پی خانه را می کنند تا خاکهای نرم را برداشته و خانه را از قشر سفت زمین به نام بی توو «bituv» بسازند.

سپس یک بنا و چند کارگر می بینند تا مشغول ساخت خانه شوند. بنا با وسایل خود از قبیل ماله، تراز، شاقول، ریسمان، شمشه و کمیچه در محل حاضر می شود. صاحب کار هم چند بیل، سطل، استانبولی، سرنده و چند تیر چوبی برای چوب بست آماده می کند.

کار ساختمانی از صبح حدود ساعت ۸ صبح شروع و تا عصر نزدیک ساعت ۱۸ ادامه پیدا می کند. بعد از دو یا سه ساعت کار، از سوی صاحب خانه با غذاهای ساده و حاضری، پذیرایی مختصری به عمل می آید. این پذیرایی را چاشت «čâšt» صبح می نامند. در ساعت ۱ یا ۲ بعد از ظهر کارگران برای صرف ناهار به خانه صاحب کار می روند و پس از یک ساعت دوباره سر کار برمی گردند. بعضی مواقع عصر قبل از اتمام کار با چای یا میوه و شیرینی به عنوان چاشت عصرانه از کارگران پذیرایی به عمل می آید.

کارگران شام را در منزل صاحب خانه صرف می کنند. برای ناهار یا شام غذاهایی مثل: مرغ، برنج، خورش، رشته پلو، آبگوشت و غذاهای محلی درست می کنند.

بنا در ابتدای کار، وظایف کارگران را تعیین می کند؛ یک نفر آب می آورد و خاک سرنده می کند، یک نفر گل یا ملات تهیه می کند، یک نفر آجر یا خشت می آورد و یک نفر هم زیر دست اوستا (بنا) کار می کند. بنا همچنین بر کار کارگران نظارت دارد و با جملاتی چون: «خدا کمک»، «علی کمک»، «یا علی مدد»، «احسن»، «مرحبا» و «زنده باشی» کارگران را تشویق می کند تا احساس خستگی نکنند.

کسی که به سر کار می‌آید و یا افرادی که عبور می‌کنند به کارگران می‌گویند: «الله قووات ورسن»^(۱). آنها هم در جواب می‌گویند: «الله عمور ورسن»^(۲) یا «الله بالای ساخلا سن»^(۳).

در یکی از روزهای کار بنایی نیز زن صاحب‌خانه مقداری اسپند در محلی که بنا احداث می‌شود، دود می‌کند و کمی هم با گچ و آب دوغاب درست کرده به چند طرف خانه می‌پاشد.

در شیرین سو مرسوم است هر کس که خانه جدیدی می‌سازد، اقوام و بستگان نزدیکش به نوبت در یکی از روزهای کار بنایی، چاشت می‌برند. برای این کار قبلاً به صاحب‌خانه اطلاع می‌دهند تا چاشت صبح برای مثلاً فردا آماده نکند تا آنها چاشت بیاورند و از خانه هم دیدن کنند! سپس مقداری برنج با خورشت یا رشته پلو، تخم‌مرغ رنگ کرده، آردک «ardak» و فطیر «fatir» (نوعی نان محلی) و مقداری میوه و شیرینی بطور مختصر تهیه کرده و به اتفاق صاحب‌خانه به محل کار می‌برد، چاشت را با هم صرف می‌کنند و مقداری پول یا یک جفت جوراب به عنوان انعام به اوستا و کارگران می‌دهند و می‌گویند: «مبارک اولسون».

پس از مدتی وقتی سقف خانه را پوشاندند، صاحب‌خانه یک گوسفند یا بره یا خروس، به وسع خود ذبح می‌کند و خون قربانی را به اطراف خانه می‌پاشد. سپس از گوشت آن شام تهیه کرده از بستگان، همسایگان و افرادی که چاشت آورده‌اند دعوت می‌کند با کارگران شام را صرف کنند. یک عدد تخم‌مرغ خام هم در بالای طاق خانه یا پشت بام می‌گذارد تا پرندگان بخورند.

در پایان پس از کاهگل و نصب در و پنجره و اتمام کار ساختمان، صاحب‌خانه بعد از صرف شام حساب کارگران را پرداخت می‌کند و مقداری شیرینی یا انعامی مثل پیراهن یا جوراب به اوستا و کارگران می‌دهد و می‌گوید: «آلیز قولویز آقر ما سن»^(۴). آنها هم در جواب می‌گویند: «مبارک اولسون»^(۵). (طاقتی احسن، ۶۶)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- خدا قوت بدهد.

۲- خدا عمر بدهد

۳- خدا بچه ات را نگه دارد.

۴- دست و بازوی شما درد نکند.

۵- مبارکتان باشد.

جمع‌بندی

با توجه به اقلیم سرد و کوهستانی و فراوانی نزولات جوی، روستاییان این منطقه در ساخت بنا از مصالح موجود نزدیک خود استفاده می‌کنند. آنها کوشش می‌کنند تا بنا مستحکم باشد تا هم در کوتاه‌مدت و یا میان مدت نیاز به مرمت و تعمیر نداشته باشد، و هم در برابر تهدیدهایی چون سیل مقاوم باشد. استفاده از مصالح در دسترس موجب می‌گردد که بنا از نظر قیمت تمام شده ارزان باشد و از سویی در هنگام تعمیر و مرمت از امکانات و تخصص خود استفاده کنند. ضمن آنکه روستاییان در ساخت بنا به مسایل بهداشتی و زیبایی آن نیز توجه دارند و فضاهای موردنیاز برای تزئین در اتاقها و یا فضاهای بیرونی برای نگهداری احشام و یا تولید محصولات خود را در هنگام ساخت بنا لحاظ می‌نمایند، به نحوی که نیاز آنها در داشتن یک خانه، متناسب با وضعیت معقول زندگیشان برآورده گردد.



منابع:

- برزگر، اکبر، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵
- گرگوار، هلن دسمه وفونتن، پاتریس (با همکاری محمد علی احمدیان و ابوالقاسم طاهری)، نقشه‌ها و اسناد مردم‌نگاری: اراک و همدان، ترجمه اصغر کریمی، نشر پاز، ۱۳۷۰
- وثوقی، منصور، جامعه‌شناسی روستایی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۷

راویان:

- مراد عبدلی، حسین‌آباد ناظم، ملایر، ۱۳۴۸
- اسدالله طاقتی احسن، شیرین سو، کبوتر آهنگ، ۱۳۶۵

